



۱۴ اگست ۲۰۱۵



حمید انوری

## گردن کدام یک را باید زد؟!

سیاف: طبق حکم پیغمبر گردن امیر دومی در یک کشور اسلامی از زدن است  
شنبه ۱۷ اسد ۱۳۹۴

رسول سیاف که گویا شیخ الحدیث هم است، طبق معمول زمانیکه حدیثی را شاهد می آورد، مکلف است تا آن حدیث و منبع آنرا نیز ذکر کند که مردم دانسته شوند و به آن حدیث مراجعه کرده و مورد آنرا نیز دریابند که در کدام زمان و به چه مناسبتی گفته شده.

عبدالرب رسول سیاف از رهبران جهادی افغانستان گفته که در یک کشور اسلامی تعیین زعامت در صورت موجودیت زعیماً مسلمان نارواست، به گفته او طبق حکم پیغمبر، گردن رهبر و زعیماً دومی از زدن است. حال که چنین است، آیا جناب سیاف که خود کاندید ریاست جمهوری بود و رای نیآورد، از انتصاب دو زعیماً و دو رهبر در بعد از انتخابات ریاست جمهوری چه برداشتی دارند و در انتخابات ریاست جمهوری گویا دو برنده سر بیرون کردند و کشور صاحب دو زعیماً شد و در همین مدت شاهد کشمکش های بدون وقفه بین دو زعیماً هستیم و در یک کشور اسلامی دو زعیماً وجود دارد، پس نظر به گفته رسول سیاف باید سر یکی از دو زعیماً زده شود، اما مشکل کار در این است که ما هنوز دانسته نشده ایم که زعیماً دومی کدام است. عبدالرب رسول سیاف می گوید که با تعیین ملا اختر محمد منصور و بیعت با او، طالبان به کج روی های شان و کارهای خلاف شریعت استمرار می دهند.

یعنی اگر بجای ملا اختر منصور، کدام ملای دیگر جای ملا عمر را می گرفت، کج روی نبود و کار های شان خلاف شریعت نبود، اما اکنون که او جای ملا عمر را گرفته، خلاف شریعت است. آقای سیاف گفت: "هیچ دلیل دینی در این ملک برای تعیین زعامت دیگری وجود ندارد، و رسول اکرم فرموده که اگر با دو نفر بیعت صورت گرفت، با دو رهبر، دو امیر بیعت صورت گرفت، گردن نفر دومی را بزنید، این امر رسول اکرم است".

حال خدمت سیاف خان باید عرض کرد اینکه طالبان به دو زعیماً و دو رهبر در کابل هرگز بیعت نکرده اند و مردم هم به زعیماً طالبان بیعت نکرده اند، آن یکی گویا در افغانستان صورت گرفت و این دیگر گویا در پاکستان، حال گردن کدام یک را باید زد؟

جناب سیاف خود شاهد بود که در انتخابات ریاست جمهوری چنان تقلبات گسترده ای صورت گرفت که کم مانده بود عده ای حمام خون جاری سازند و چنان بود که جان کری به کابل شتافت و دو زعیماً انتخاب کرد و آب سردی بالای آتش انتخابات ریخت و به ریش آنانیکه همه امید شانرا به انتخابات ریاست جمهوری بسته بودند، قهقه خندید و رفت. حال تکلیف چیست و سر کدام یک را باید زد؟

آقای سیاف این موضوع را در واکنش به تعیین ملا اختر محمد منصور به عنوان امیر گروه طالبان و دادن لقب امیرالمومنین به او مطرح کرد.

بخاطر ندارم که آیا جناب سیاف در زمان اعطای لقب "امیرالمومنین" به ملا محمد عمر هم اعتراض کرده بود و یا خیر و آیا در آن زمان همین سخنان را که امروز بر زبان آورده، بیان داشته بود یا خیر. سیاف که در کابل با خبرنگاران صحبت می کرد، دادن لقب "امیرالمومنین" پس از خلفای راشدین را خلاف شریعت خواند و پرسید که آیا ملا عمر و ملا اختر محمد منصور مانند خلفای راشدین "اصلح" هستند؟

چرا این سوال را در بیشتر از دو دهه گذشته مطرح نکردید آقای سیاف؟ و آیا گفته می توانید آن یک هزار و چندصد ملا و مولوی که از سرتاسر افغانستان در قندهار گرد آمده و به ملا عمر بیعت کرده و لقب "امیرالمومنین" را برایش ارزانی داشتند همه و همه از جنس شورای علمای "جمهوری دیموکراتیک" افغانستان بودند و همه از این که چنین بدعت خلاف شریعت را مرتکب شدند، اطلاع نداشته اند؟

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې دليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

او گفت: "در همان زمان که به ملا عمر لقب امیرالمؤمنین داده شد، و همراهش بیعت کردند، مطابق احادیث و حکم پیغمبر باید گردنش زده می شد".

جناب سیاف از خواب گران، خواب گران، خواب گران، خواب گران خیز!!! سیاف می گوید براساس اطلاعات موثق که به او رسیده، ملا عمر در پاکستان "زجر کش" شده و او را زیر شکنجه کشتند، او هشدار داد که عواقب کسانیکه به مردم ظلم کند، مانند ملا عمر خواهد بود.

اطلاعات موثق که جناب سیاف از پاکستان بدست آورده است، برمیگردد به بیشتر از ده سال که مهمان مقامات نظامی پاکستان بود و با سازمان جاسوسی نظامی پاکستان (آی اس آی) ارتباطات تنگاتنگی داشت و قرار معلوم تا حد امکان آن مناسبات همچنان ادامه دارد و جناب سیاف از داخل زندان ها و شکنجه گاه های (آی اس آی) هم باخبر است و حتی میداند که ملا عمر را شکنجه کرده اند، اما دلیل شکنجه شدن او را بیان نمی دارد. از طرف دیگر این اظهارات رسول سیاف میتواند به گونه ای دیگری نیز تعبیر گردیده و به اصطلاح وطنی ما یک بینی خمیری برای ملا عمر باشد و آنهم توسط سیاف.

"شکنجه شدن" ملا عمر و یا بگفته سیاف "زجرکش" کردن و زیر شکنجه کشتن ملا عمر توسط مقامات پاکستانی، در حقیقت نشان میدهد که ملا عمر به خواسته های پاکستانی ها گردن نه نهاده و لذا زیر شکنجه "زجرکش" شده است. آیا این سخنان سیاف حساب شده بوده است و یا فقط آنرا به حساب خودبزرگ بینی سیاف باید گذاشت؟! او با فراموش کردن جنایات وحشتناک تنظیمی های جهادی در بعد از سقوط حکومت نجیب، عاقبت خود و امثال خود را نادیده گرفته و گویا کور خود و بینای مردم است.

به یقین هر آن کس که ظلم کرده بر مردم و جوی هائی از خون پاک مردم را در سرتاسر کشور جاری ساخته و مردم را در غم عزیزان و جگر گوشه های شان نشانده است، حساب پس خواهد داد. این رهبر جهادی، طالبان را آله دست بیگانگان خواند و گفت: "اینکه آنها می گویند برضد خارجی ها می جنگیم، همه اینها بهانه است، زمان که ملا عمر را تعیین کردند در افغانستان یک خارجی نبود حتی در انزمان یک سفارت خانه آنها وجود نداشت".

فکر میکنم رسول خان سیاف فراموش کرده اند که در زمان مورد نظر جناب شان، طالبان هیچ سخنی از موجودیت خارجی ها در افغانستان نداشتند، بلکه تمام تبلیغات شان این بود که در مقابل نیرو های "شر و فساد" جهاد میکنند و چنان هم بود که مردم دسته دسته و گروپ گروپ به طالبان پیوستند تا از نیرو های تا دندان مسلح "شر و فساد" نجات یابند.

او، تاکید کرد که ملا عمر یک جنایت کار بود و در مورد ریختن خون هزاران نفر بی گناه در آخرت جواب پس خواهد داد.

هر جنایتکاری به هر نام و اسم و رسمی و از هر قوم و قبیله ای که بوده باشد، روزی حساب پس می دهد، اگر در دادگاه مردم به کیفر اعمال شان نرسیدند، در دادگاه عدل الهی به یقین خواهند رسید. نمی دانم حساب ریختن خون بیش از شصت و پنج هزار از باشندگان مظلوم و بی گناه و بی دفاع کابل و بیشتر از پنج هزار باشندگان مظلوم افشار کابل را کدام جنایتکاران پس خواهند داد. سیاف می گوید که ملا اختر منصور به شریعت نادان ترین عضو این گروه است به گفته او، در حال حاضر مرگ ملا عمر یک فرصت خوب برای طالبان است که دست از خشونت بکشند، ممکن خداوند یک قسمت از گناهان آنها را ببخشد.

قرار معلوم جناب سیاف با تمام قومندانان و رهبریت طالبان و تمام ملا ها و مولوی های شان شناخت کامل دارد که ادعا میکند "ملا اختر منصور به شریعت نادان ترین عضو این گروه است"، یعنی اینکه اگر کدام ملای بهتری از اختر منصور رهبری طالبان را بدست میگرفت، وضع تفاوت میکرد، اما به گونه ای دیده می شود که از همان زمانه های قدیم کدام کشیدگی بین ملا اختر منصور و عبدالرب رسول سیاف وجود دارد که شاید با گذشت زمان، روزی آشکار گردد.

#### نادان ترین عضو طالبان

او به شدت از نوع بیعت با ملا اختر محمد منصور انتقاد کرد و گفت در مجلسی که به او بیعت کردند، به کسی حق صحبت کردن داده نشد و کسانیکه به این مجلس هم شرکت کرده بودند بدیل دیگری برای انتخاب هم نداشتند.

یعنی جناب رسول سیاف می فرمایند اگر نوع بیعت با ملا اخترمحمد منصور، طور دیگری می بود و گویا به کسان دیگری هم حق صحبت داده می شد، جناب شان با آنها مشکلی نداشتند و یا هم اگر بدیل دیگری بجای ملا منصور وجود میداشت، مورد تائید آقای سیاف می بود.

**یا سخن دانسته گوی ای مرد دانا یا خموش !!!**

به گفته سیاف، براساس احکام دینی، یک مسلمان باید فردی را به رهبری برگزیند که اعلم و افقه باشد، نه اینکه از همه نادانتر باشد.

باز هم جناب سیاف فقط نادانی ملامنصور را محکم چسبیده است و این بدین معنی نیز تواند بود که ملا محمد عمر رهبر قبلی طالبان یک شخص دانا و فهمیده بود است. آقای سیاف شما هم به نعل میزنید و هم به میخ و به عبارت دیگر تلاش میکنید که هم لعل بدست آید و هم یار نرنجد!!!!

**ای ولای تان!!!!**

او گفت: "در تمام همان مجلس، به شریعت نادان تر و از لحاظ زبان هم گنگ تر هم همین بود، علما آیا اجهل شان را انتخاب می کنند؟"

در یک بیانیه مختصر که از قبل بالای آن کار شده و آمادگی گرفته شده، جناب سیاف چندین بار ملا منصور را نادان و نادان تر و جاهل و جاهلترین خطاب کرده است و این خود میرساند که خصومت شخصی و یا هم تنظیمی است و مشکل سیاف با طالبان و رهبریت جدید شان فقط همین است و در غیر آن سیاف خان با آنها هیچ مشکل دیگری ندارد.

از طرف دیگر آقای سیاف در آن مجلس حضور نداشته است که در مورد آن از دور چنین فتوا صادر میکند، یا اینکه جناب شان مخفیانه در آن مجلس حضور داشته اند و ما نمی دانیم.

سیاف گروه طالبان را مار آستین پاکستان خواند و گفت که این گروه برای پاکستان به یک خطر جدی تبدیل خواهد شد. به گفته او بیشترین قربانی را بابت این گروه ملت این کشور خواهند داد.

تا همین اکنون ملت افغان بیشترین قربانی را داده است، اما جناب سیاف از ملت شریف افغان که هر روز قربانی این جنگ های اعلان نشده و فرسایشی و تروریستی می شوند، حرفی به میان نمی آورد و دلش برای پاکستان هنوز هم می تپد. در همین دو روز گذشته حملات انتحاری تنها و تنها در کابل چندصد نفر از هموطنان مظلوم ما را به خاک و خون کشید، اما هرگز صدای اعتراضی از سیاف و سیاف ها بر نه خاست که نه خاست، یعنی از سنگ صدا برآمد و از سیاف نه!!!!

**من آنچه شرط بلاغت با تو گفتم**

**تو خواه از سخنم پند گیر خواه ملال**

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ